

◀ منابع

جهان اسلام: مرتضی اسعدی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶ش؛ *مجلة الحج و العمرة*: وزارت حج عربستان، دار الاوقاف و امور اسلامی امارات؛ *مجلة کاروان نور*: تهران، سازمان حج و زیارت؛ *مجلة منار الاسلام*: اوقاف و امور اسلامی امارات؛ *مصاحبه با حاجی اماراتی عبدالباعث قتالی*: زیر نظر دانشنامه حج و حرمین شریفین، فروردین ۱۳۹۰ش؛ *الموسوعة العربية*: دمشق، ۲۰۰۱م.

<http://ugandaradionetwork.com>.

www.aqaed.com.

www.ausiemuslims.net.

www.cia.gov.

www.state.gov.

گروه حج‌گزاری



امارت حج: سرپرستی و زعامت حجاج

بیت الله الحرام

امارت از ماده «ا - م - ر» به معنای سرپرستی و کارگزاری است^۷ و در صورت ترکیب با واژه حج، به منصبی اطلاق می‌شود که ریاست، پیشوایی و سرپرستی حجاج را در طول مسیر و نیز در موسم حج در مکه بر عهده دارد.^۸ در منابع، افزون بر این اصطلاح، از

۷. لسان العرب، ج ۴، ص ۳۶، «امر».

۸. امارة الحج، ص ۱.

۷۰/۰۰۰ درهم متفاوت بود.^۱

در باره آداب و رسوم حج می‌توان به مراسم بدرقه و پیشواز حجاجان اشاره کرد. معمولاً مراسم خداحافظی با کاروان، در مسجد محل انجام می‌شود.^۲ در برخی خانواده‌ها، زن و فرزندان حاجی به هنگام بازگشت حاجی هلهله می‌کنند که به این هلهله‌ها «زغارید» گفته می‌شود. ولیمه دادن و آوردن سوغات از آب زمزم، سجاده و خرما از دیگر آداب و رسوم حجاجان اماراتی است.^۳

مدارس و ادارات امارات نیز برنامه‌هایی برای اعزام دانش‌آموزان و کارمندان خود به سفر عمره دارند.^۴ نیز سفر عمره به عنوان هدیه برای نو مسلمنان، حافظان قرآن و جوانان نمونه اماراتی اختصاص داده می‌شود.^۵ برخی کشورها از فرودگاه‌ها و پروازهای امارات برای انتقال حجاجان خود به عربستان استفاده می‌کنند که از آن جمله می‌توان به اوگاندا و استرالیا اشاره کرد که افزون بر پرواز مستقیم به جده، از پروازهای اماراتی و فرودگاه‌های دبی و ابوظبی به عنوان ترانزیت استفاده می‌کنند.^۶

۱. سایت هیأت عامه امور اسلامی و اوقاف امارات، ۲۰۱۰/۱۰/۱۳.

۲. اسناد موجود در دانشنامه.

۳. اسناد موجود در دانشنامه.

۴. روزنامه دار الخلیج امارات، ۲۰۱۱/۳/۲۰.

۵. روزنامه البیان امارات، ۱۹ غسطنس ۲۰۱۰.

6. <http://www.ausiemuslims.net/index.php>

<http://ugandaradionetwork.com/a/story.php?s=34732>

عناوینی دیگر مانند امامة الحاج^۱، ولایة الحج^۲ یا ولایت موسم^۳ نیز برای این منصب به کار رفته است. در شماری از منابع، از منصبی به نام امیر الموسم یاد شده که هر چند تابع امیر الحاج شناخته شده، در حل مشکلات حاجیان به امیر الحاج کمک می کرده است.^۴

منابع در زمینه امارت حج پیش از اسلام، آگاهی به دست نداده‌اند. اما می توان اجازه^۵ و افاضه^۶ را به عنوان پیشینه این امارت برشمرد که برخی وظایف امارت حج را همانند کوچ از عرفات بر عهده داشتند. همچنین این احتمال هست که منصب امارت حج تغییر یافته، منصب قیادت (راهنمایی حججاج) یکی از وظایف قریشیان پس از تسلط قُصَی بن کلاب، جد چهارم پیامبر ﷺ بر مکه باشد.^۷

با ظهور اسلام، حج اهمیتی ویژه یافت و ابعاد گوناگون سیاسی-اجتماعی آن در دوره‌های بعد، موجب پدید آمدن منصب امارت حج شد. اهمیت تصدی این امارت به حدی رسید که برای دستیابی به آن، نزاع‌هایی در می گرفت؛ چنان که فضل بن سهل، وزیر

مأمون، حمایت عباس بن موسی عباسی از مأمون را در ستیز میان امین و مأمون در ازای واگذاری امارت حج و حکومت مصر به دست آورد و او امارت حج را بالاترین شرف و افتخار دانست.^۸ نیز برخی خلیفه‌زادگان خواهان دستیابی به این منصب بودند؛ چنان که خواسته یزید از پدرش معاویه، منصب امارت حج بود.^۹

با توجه به ماهیت وظایف امیر الحاج و وضعیت سیاسی-اجتماعی دوران‌های گوناگون، مقام امارت حج از ویژگی‌های مختلف برخوردار شد. در دوره پیامبر گرامی ﷺ و خلفای نخستین، آشنایی با مناسک حج و شخصیت علمی و معنوی امیر الحاج بیش از شرایط دیگر جلوه گر بود، به گونه‌ای که رسول خدا و خلفا در برهه‌هایی این مقام را عهده‌دار بودند. اما از دوران بنی‌امیه به بعد، وابستگی امیر الحاج به دربار خلفا و نیز نفوذ و اقتدار سیاسی و نظامی او در تصدی آن، بیشتر حائز اهمیت بود. به تدریج از دوران عباسیان با توجه به گسترش حجم کاروان‌های حج و رواج باج‌گیری اعراب بدوی در مسیر حج و دیگر راهزنان، همراهی نیروی نظامی برای دفع حملات عشایر عرب و راهزنان، از بایسته‌های کار امیر الحاج گشت و

۱. البداية و النهايه، ج ۱۱، ص ۲۸۰؛ ج ۸، ص ۳۰۴.

۲. الاغانی، ج ۳، ص ۳۲۴؛ البداية و النهايه، ج ۱۲، ص ۹۱.

۳. انساب الاشراف، ج ۴، ص ۱۸۴؛ تاریخ طبری، ج ۸، ص ۲۷۶.

۴. امارة الحج، ص ۴۳.

۵. السيرة النبوية، ج ۱، ص ۱۱۹؛ شفاء الغرام، ج ۲، ص ۶۵.

۶. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۴۵؛ المفصل، ج ۱۱، ص ۳۸۶.

۷. دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۲، ص ۵۹۳، «حج».

۸. تاریخ طبری، ج ۸، ص ۳۷۶؛ تجارب الامم، ج ۴، ص ۳۳؛

المنتظم، ج ۱۰، ص ۴.

۹. الکامل، ج ۴، ص ۱۲۶؛ البداية و النهايه، ج ۸، ص ۲۲۷.

بر پایه گزارشی، به سال نهم ق. پیامبر گرامی ﷺ ابوبکر را به عنوان امیر الحاج به مکه فرستاد.^۵ اما پیش از رسیدن او به مکه، رسول خدا ﷺ علی ؑ را به جای او منصوب کرد.^۶ بر پایه روایت‌هایی دیگر، پیامبر ﷺ مسؤولیت امارت حج و ابلاغ سوره برائت را به ایشان واگذار کرد.^۷ اما پیشینه اهل سنت بر این باورند که حضرت علی ؑ تنها مأمور ابلاغ آیات سوره برائت بوده و منصب امارت حج را همچنان ابوبکر بر عهده داشته است.^۸ این در حالی است که روایت ابن عباس از بازگشت ابوبکر به مدینه حکایت دارد.^۹

به سال دهم ق. رسول خدا ﷺ خود سرپرستی حاجیان را بر عهده گرفت و با انجام حجة الوداع، احکام و مناسک حج را به مسلمانان آموخت.^{۱۰} شمار حاجیان را در این سفر از ۷۰/۰۰۰ تا ۱۴۰/۰۰۰ و حتی بیشتر یاد کرده‌اند.^{۱۱} پس از رسول خدا ﷺ در روزگار

۵. السیرة النبویه، ج ۴، ص ۱۸۸؛ الکامل، ج ۲، ص ۲۹۱؛ الدرر القرائد، ج ۱، ص ۴۱۳.
 ۶. اخبار مکه، ج ۱، ص ۱۸۶؛ الکامل، ج ۲، ص ۲۹۱.
 ۷. مسند احمد، ج ۱، ص ۳؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۹۲؛ ج ۲، ص ۳۵۵؛ الارشاد، ج ۱، ص ۶۵.
 ۸. المغازی، ج ۳، ص ۱۰۷۷؛ السیرة النبویه، ج ۲، ص ۵۴۳.
 ۹. مسند احمد، ج ۱، ص ۳؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۹۲؛ ج ۲، ص ۳۵۵؛ الارشاد، ج ۱، ص ۶۵.
 ۱۰. المغازی، ج ۳، ص ۱۰۸۸؛ السیرة النبویه، ج ۲، ص ۶۰۱؛ مروج الذهب، ج ۴، ص ۳۰۱.
 ۱۱. العقد الثمین، ج ۱، ص ۲۶۸؛ امتاع الاسماع، ج ۲، ص ۱۰۳؛ موسوعة مكة المكرمة، ج ۳، ص ۵۱۱.

به همین دلیل، در دوره‌های پسین، بیشتر امیر الحاج‌ها از کارگزاران نظامی بودند.^۱ اینان برای جبران آگاهی اندک خود از مناسک حج، از مشورت و همراهی فقیهان برخوردار می‌شدند؛ چنان‌که عبدالصمد بن علی عباسی که از سوی منصور و هارون عباسی سال‌ها به امارت حج منصوب شده بود، از فقیهانی چون اوزاعی و سفیان ثوری برای نگارش کتابی درباره مناسک حج یاری خواست.^۲

◀ امارت حج در هنگام پیامبر و خلفا:

در دوران رسول خدا ﷺ، درباره وجود منصب امیر الحاج، دیدگاه‌ها همسان نیست. شماری از منابع، از وجود این منصب یاد کرده و افرادی را نیز به عنوان امیر الحاج نام برده‌اند. اما شماری دیگر وجود امیر الحاج در آن دوره را انکار کرده‌اند. مسلمانان پیش از فتح مکه در سال هشتم ق. دو بار به قصد عمره به سرپرستی پیامبر ﷺ در سال‌های ششم و هفتم ق. رهسپار مکه شدند.^۳ پس از فتح آن شهر به سال هشتم ق. پیامبر ﷺ عتّاب بن أسید بن ابی العیص بن امیه را عامل و کارگزار خویش در مکه قرار داد و بر پایه گزارش مسعودی، مراسم حج در آن سال به سرپرستی او انجام شد.^۴

۱. امارة الحج، ص ۶۴؛ دانشنامه حج، ج ۱۱، ص ۵۹۲-۵۹۷، «حج».
 ۲. تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۱۶۰؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۷، ص ۲۶۱.
 ۳. لسان العرب، ج ۴، ص ۳۱؛ «امر».
 ۴. مروج الذهب، ج ۴، ص ۳۰۱.

خلفای نخستین (۱۱-۴۰ق.) معمولاً حج به سرپرستی آنان انجام می‌گرفت. گاه نیز افرادی از سوی آنان به منصب امارت حج برگزیده می‌شدند. در زمانه خلیفه اول (۱۱-۱۳ق.) به ترتیب عمر بن خطاب در سال ۱۱ق. و عتاب بن اسید اموی یا عبدالرحمن بن عوف در سال ۱۲ق. امیران حج بودند. از عبدالرحمن بن عوف به عنوان امیر الحاج سال ۱۳ق. یاد شده است.

در زمانه خلیفه دوم (۱۳-۲۳ق.)، خود وی همه ساله رهسپار سفر حج می‌شد و امارت حج را بر عهده داشت.^۱ در زمانه خلیفه سوم (۲۳-۳۵ق.) به سال ۲۴ق. عبدالرحمن بن عوف^۲ و در سال‌های ۲۵ تا ۳۴ق. خلیفه، خود، امارت حج را بر عهده داشت. در سال آخر خلافت عثمان (۳۵ق.) به جهت قیام مردم بر ضد او، عبدالله بن عباس به امارت حج منصوب شد.^۳

امام علی علیه السلام در مدت پنج سال خلافتش، به سبب نبردهای داخلی نتوانست شخصاً امارت حج را بر عهده بگیرد.^۴ از این رو، به سال ۳۶-۳۷ق. عبدالله بن عباس^۵ و در سال

۱. مروج الذهب، ج ۴، ص ۳۰۲.

۲. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۴۹؛ مروج الذهب، ج ۴، ص ۳۰۲.

۳. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۴۹-۲۵۱، ۲۵۷، ۲۶۳، ۲۶۷، ۲۸۷، ۳۰۳، ۳۳۹، ۳۳۹؛ مروج الذهب، ج ۴، ص ۳۰۲؛ الدرر الفرائد، ج ۱، ص ۴۱۹.

۴. موسوعة مكة المكرمة، ج ۳، ص ۵۱۲.

۵. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۷۶؛ ج ۵، ص ۹۲؛ مروج الذهب، ج ۴، ص ۳۰۲.

۳۸-۳۹ق. عامل خود بر مکه، قثم بن عباس، را امیر الحاج قرار داد.^۶ ستیز یزید بن شجره رهاوی، امیر الحاج معاویه، به سال ۳۹ق. و قثم بن عباس موجب شد تا به جای آنان، شیبۀ بن عثمان حَجَّبی، از کلیدداران کعبه، امارت حج را عهده‌دار شود.^۷

◀ **امارت حج در دوران بنی‌امیه (۴۰-۱۳۲ق.)**: بنی‌امیه در ۹۲ سال حکومت خود، امارت حج را همچون دیگر مسؤولیت‌های اجتماعی و سیاسی، بیشتر به خویشاوندان خود که حدود ۵۰ تن بودند، واگذار کردند. تنها در حدود ۱۰ سال از ۹۰ سال، خلفای اموی، خود، به عنوان امیر الحاج در حج شرکت کردند؛ هر چند در منابع به دلیل این موضوع تصریح نشده است. البته می‌توان دلیل آن را کم‌توجهی آنان به ابعاد معنوی حج دانست.

از رویدادهای این دوران می‌توان به وجود چهار امیر الحاج به سال ۶۸ق. اشاره کرد که هم‌زمان در عرفات حضور یافتند. محمد بن حنفیه و یارانش، ابن زبیر و طرفدارانش، و نجله بن عامر خارجی همراه یاران خارجی خود و امویان در آنجا اردو زدند و نخستین گروهی که به حرکت درآمد،

۶. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۳۲؛ مروج الذهب، ج ۴، ص ۳۰۲.

۷. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۳؛ مروج الذهب، ج ۴، ص ۳۰۲؛ الاصابه، ج ۳، ص ۳۰۰.

ابومسلم خراسانی، از دعوت گران عباسی، در امارت حج سال ۱۳۶ق. مشاهده کرد.^۵ گسترش دامنه قلمرو حکومت اسلام و تشریفات دامنه دار دربار عباسی، وجاهتی خاص را به منصب امارت حج بخشید. در میان خلفای عباسی، منصور، دومین خلیفه از این خاندان، بیش از همه حج گزارد که شاید به سبب گرد آمدن مخالفانش در مکه و پیرامون آن بود؛ چنان که پیروزی او بر ابراهیم بن عبدالله حسنی، برادر نفس زکیه، در موسم حج اعلان شد. سفر حج مهدی عباسی (حک: ۱۵۸-۱۶۹ق.) به سبب بذل و بخشش فراوانش به حاجیان و مردم مکه و مدینه در سال ۱۶۹ق. بسیار مشهور است.^۶ با توجه به تلاش شهید فخر به سال ۱۶۹ق. برای استفاده از موسم حج جهت قیام بر ضد هادی (حک: ۱۶۹-۱۷۰ق.)^۷ می توان این تلاش ها را سیاسی برای کسب محبوبیت و پیشگیری از این قیام احتمالی دانست. هارون عباسی (حک: ۱۷۰-۱۹۳ق.) در خلافت خود، سالی به حج و سالی به جهاد می رفت و در مجموع شش یا نه بار امیر الحاج بود.^۸ بر پایه وصیت او که دلیل آن

۵. تاریخ طبری، ج ۷، ص ۴۷۹؛ الکامل، ج ۵، ص ۴۶۹.
 ۶. تجارب الامم، ج ۳، ص ۴۶۵-۴۶۶؛ المنتظم، ج ۸، ص ۲۳۸؛ شذرات الذهب، ج ۲، ص ۲۶۹.
 ۷. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۰۵؛ تاریخ الاسلام، ج ۱۰، ص ۳۴؛ البداية و النهايه، ج ۱۰، ص ۱۵۷.
 ۸. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۳۰؛ شذرات الذهب، ج ۲، ص ۴۳۵.

گروه ابن حنفیه بود.^۱

۱- امارت حج در دوره نخست عباسی

(۱۳۲-۲۴۷ق.): خلفای عباسی در حدود ۱۱۵ سال، امارت حج را همچون دیگر مسؤولیت های اجتماعی و سیاسی بیشتر به اطرافیان خود واگذار کردند؛ چنان که حدود ۷۰ تن از خویشانان این منصب را عهده دار بودند.^۲ البته در این دوره، برخی علویان نیز به این مقام دست یافتند. بنا بر گزارشی، در زمانه مأمون به سال ۲۰۴-۲۰۶ق. عبیدالله بن حسن از دودمان عباس بن علی بن ابی طالب، امیر الحاج شد. پیش از وی به گزارش مسعودی در ۲۰۲ق. ابراهیم بن موسی بن جعفر به واسطه شورش که سازمان دهی کرده بود، در موسم حج امارت حج را در اختیار گرفت.^۳ وی نخستین شخص از نسل ابوطالب در اسلام بود که توانست در این دوره برای مردم اقامه حج کند.^۴ از برخی گزارش ها برمی آید که منصب امیر الحاجی از محبوبیت و اعتبار خاصی در این دوران برخوردار بود؛ چنان که بر سر آن رقابت ها و درگیری هایی پیش می آمد که نمونه آن را در رقابت میان منصور عباسی و

۱. الطبقات، ج ۵، ص ۷۶؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۶۳؛ تاریخ طبری، ج ۶، ص ۱۳۸.
 ۲. امارة الحج، ص ۳۸.
 ۳. مروج الذهب، ج ۴، ص ۳۰۹.
 ۴. مروج الذهب، ج ۴، ص ۳۰۹؛ موسوعة مكة المكرمة، ج ۳، ص ۵۱۷.

دانسته نیست، هیچ یک از خلفای عباسی پس از وی حج نگزاردند.^۱

در این دوره، امیر الحاج اختیاراتی گسترده پیدا کرد، از جمله آن که در عزل و نصب امیران حرمین شریفین دخالت داشت و امارت همه شهرهای مسیر، به امر خلیفه به او تفویض می شد. بر پایه گزارشی، این اتفاق از جمله در ولایت عبدالله بن عبدالله بن عباس در دوران خلافت مأمون^۲ و نیز اشناس، فرمانده ترک، در زمانه معتصم سال ۲۲۶ق. و ایتاخ، فرمانده ترک روزگار متوکل، به سال ۲۳۴ق. رخ داد.^۴ گاه نیز دو مقام امارت حج و امارت حرمین به یک فرد واگذار می شد، از جمله هنگام امارت حج داود بن علی عباسی.^۵

امارت حج در سلطه فاطمیان و

ایوبیان بر حرمین (۲۴۸-۶۶۶ق.): پس از ضعف سلطه عباسیان بر قلمرو پهناورشان، به تدریج حکومت‌های محلی کنار آنان سر بردردند. از این دولت‌ها، طولونیان (حک: ۲۵۴-۲۹۲ق.)، اخشیدیان (حک: ۳۳۰-۳۵۸ق.) و فاطمیان در مصر، زنگیان (حک: ۵۲۱-۶۶۰ق.) و ایوبیان (حک: ۵۶۷-۶۴۸ق.)

در شامات و مصر، و دولت‌های دیگر در ایران و عراق و مناطق پیرامونی آن مانند آل بویه (حک: ۳۲۲-۴۴۷ق.) و سلجوقیان (حک: ۴۲۹-۵۵۲ق.) پدید آمدند. این حکومت‌ها در عین به رسمیت شناختن خلیفه عباسی بغداد، تلاش می کردند با فزونی بخشیدن به سلطه خود بر حرمین، مشروعیت و جایگاه بهتری را نزد مسلمانان کسب کنند. از این رو، برخی از این دولت‌ها، خود، امیر الحاج تعیین می کردند.

شماری از منابع، از مقامی سیاسی - تشریفاتی به نام «عمل الحج» در این دوره نام برده‌اند که دارنده آن موظف به تأمین امنیت مکه مشرفه و کاروان‌های حج و پرداخت مالیاتی معین به دستگاه خلافت بود و نامش کنار خلیفه در خطبه موسم حج برده می شد.^۶ با توجه به گزارش‌های منابع اصلی^۷ نمی توان این مقام را عنوانی جدا از امیر حرمین دانست. در برخی دوره‌ها، گاه بر اثر شورش‌هایی که در مکه رخ می داد و یا به سبب ناامنی راه‌ها، حج متوقف می گشت و امیر الحاج تعیین نمی شد؛ چنان که به سال ۲۵۱ق. به دلیل شورش اسماعیل بن یوسف علوی در مکه^۸ و نیز در سال‌های ۳۱۳ تا ۳۲۷ق. به جهت

۱. المنتظم، ج ۹، ص ۱۵۶؛ البداية و النهايه، ج ۱۰، ص ۲۰۰.

۲. تاریخ طبری، ج ۸، ص ۶۲۶؛ مروج الذهب، ج ۴، ص ۳۰۹.

۳. تاریخ طبری، ج ۹، ص ۱۱۴.

۴. المنتظم، ج ۱۱، ص ۲۰۸-۲۰۹.

۵. الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۴۲؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۲۲۲؛

الاعلام، ج ۳، ص ۳۳۳.

۶. دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۲، ص ۵۹۴، «حج».

۷. تاریخ سیستان، ص ۲۳۴-۲۳۵.

۸. تاریخ طبری، ج ۹، ص ۳۴۶-۳۴۷؛ مروج الذهب، ج ۴، ص ۳۱۱.

فاطمیان به سبب سیاست‌هایی چون ارسال آذوقه برای حرمین، فرستادن مقرری برای خدام و مجاوران و ارسال جامه کعبه و ... در همراه کردن امیران حرمین شریفین با خود کامیاب بودند و تا پایان خلافت فاطمی، معمولاً خطبه در آن دو شهر به نام آن‌ها خوانده می‌شد.^۶ گفتنی است که بیشتر امیران حج فاطمی از کارگزاران نظامی بودند.^۷ در سده پنجم ق. پس از آل بویه، با قدرت‌گیری سلجوقیان و زیر سلطه درآوردن برخی خلفای عباسی^۸، امارت حج در اختیار فرماندهان ترک قرار گرفت و از ۴۶۸-۴۷۸ ق. با امارت ابومنصور ختلع ترکی معروف به الطویل یا جنفل، نخستین فرمانده ترک امیر الحاج آغاز شد.^۹ در سال‌های ۴۸۶-۴۸۸ ق. به سبب درگیری‌هایی که در پی مرگ ملک‌شاه میان فرزندان‌ش رخ داد و نیز اختلاف‌هایی که میان حاکمان دیگر مناطق پیش آمد، کسی نتوانست حج به جا آورد.^{۱۰} در پی حمله مغول به سرزمین‌های اسلامی

شورش قرمطیان چنین شد.^۱ در سال‌های ۴۱۰، ۴۰۷-۴۱۱، ۴۱۳، ۴۱۶ و ۴۵۵ ق. به سبب تأخیر حاجیان خراسانی در رسیدن به حاجیان عراقی، آنان از اعمال حج بازماندند. همچنین به دلیل ناامنی راه‌ها و یورش‌های اعرابی که در مسیر حج قرار داشتند، از قلمرو شرق جهان اسلام، حج‌های منظم صورت نگرفت.^۲ به سال ۵۱۴ ق. نیز به جهت منع افضل بن امیر الجیوش، کسی توفیق گزاردن حج را نیافت.^۳ اختلاف‌های مذهبی و درگیری‌های برآمده از آن میان فاطمیان و عباسیان، از دیگر عوامل اختلال حج بود. از جمله به سال ۴۰۱ ق. به سبب بیرون آمدن شریف ابوالفتوح امیر مکه از طاعت حاکم فاطمیان و آشفتگی‌هایی که در تعیین وقت حج برای عراقی‌ها اتفاق افتاد، امیر الحاجی وجود نداشت.^۴ با تسلط آل بویه بر خلافت عباسی (۳۳۴-۴۴۷ ق.) و قدرت‌گیری شیعیان، کسانی از علویان مانند ابواحمد موسوی، پدر شریف رضی، نیز به عنوان امیر الحاج بر کار آمدند.^۵ ممکن است امارت حج سادات علوی طی ۳۵۰ تا ۴۵۰ ق. برای هماهنگی و درگیری کمتر میان فاطمیان و امیران حج عباسی باشد.

۶. دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۲، ص ۵۹۴، «حج».
 ۷. دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۲، ص ۵۹۴، «حج».
 ۸. البداية و النهایه، ج ۱۲، ص ۱۳۱، ۱۳۵-۱۳۶، ۱۳۸؛ موسوعة مكة المكرمة، ج ۳، ص ۵۲۳.
 ۹. البداية و النهایه، ج ۱۲، ص ۱۱۳، ۱۱۶-۱۱۷، ۱۱۹-۱۲۱، ۱۲۳-۱۲۴، ۱۲۷؛ اتحاف الوری، ج ۲، ص ۴۷۸-۴۸۳؛ موسوعة مكة المكرمة، ج ۳، ص ۵۲۳.
 ۱۰. موسوعة مكة المكرمة، ج ۳، ص ۵۲۳.

۱. موسوعة مكة المكرمة، ج ۳، ص ۵۲۱-۵۲۲.
 ۲. موسوعة مكة المكرمة، ج ۳، ص ۵۲۲.
 ۳. حسن الصفا و الابتهاج، ص ۱۱۵.
 ۴. موسوعة مكة المكرمة، ج ۳، ص ۵۲۱-۵۲۲.
 ۵. الانباء، ص ۱۸۳.

که موج اول آن به سال ۶۱۶ق. و موج دوم آن از سال ۶۵۴ق. آغاز شد، در سال‌های ۶۳۳-۶۳۹ق. کاروان حج از سوی خلافت عباسی از عراق اعزام نشد؛ گرچه در این سال‌ها امیران حج ایوبی، حاکمان مصر و یمن، رهسپار حج شدند.^۱

به سال ۶۶۶ق. نخستین بار پس از حمله مغولان به عراق، حاجیان عراقی توانستند حج بگزارند. در این سال، محیی‌الدین بن صاحب بهاء‌الدین بن حنا، امیر الحاج بود.^۲ سپس به سال ۶۶۷ق. با صدور فرمان امارت حج از سوی اباقا خان مغول، امارت حج رسمیت یافت. متن این فرمان به انشای عطا ملک جوینی در کتابخانه مرکزی به شماره ۲۴۴۹ نگهداری می‌شود.

◀ امارت حج در سلطه ممالیک (۶۶۶-۹۲۳ق.)

ممالیک پس از قدرت‌گیری به سال ۶۶۷ق. به نصب امیر الحاج اقدام کردند و جز در برخی سال‌ها امیر الحاج مصری با اختیارات بسیار رهسپار مکه می‌کردند. شماری از آنان در ستیز اشراف بر سر حکومت بر مکه دخالت می‌نمودند؛ چنان‌که به سال ۶۸۳ق. میان امیر الحاج مصری علم‌الدین باشقردی و امیر مکه شریف ابی‌نمی، فتنه و نزاعی رخ داد و مصری‌ها در پی قتل فرمانده خود متواری

شدند.^۳ ممالیک در مدت حکومت طولانی‌شان حدود ۱۸۰ امیر الحاج تعیین کردند.

◀ امارت حج در دوران عثمانی‌ها

(۹۲۳-۱۳۴۳ق.): عثمانی‌ها نیز به نصب امیر الحاج اهتمام داشتند. آنان معمولاً فردی قوی را به این مسئولیت می‌گماشتند و همراه او هزاران سرباز در کاروان‌های حج حضور می‌یافتند و در میان راه وظیفه پاسداری از جان و مال مسافران در برابر دستبرد سارقان و راهزنان و گاه تعدی قبایل را بر عهده داشتند. مسئولیت سنگین امیر الحاج، موجب می‌شد که گاهی میان کارگزاران عثمانی اختلاف‌های فراوان تعیین فرد دارای صلاحیت تصدی این منصب درگیرد.^۴ از امیران حج عثمانی می‌توان به ابراهیم رفعت‌پاشا، امیر الحاج مصر و نویسنده کتاب مشهور *مرآة الحرمین*^۵ اشاره کرد.

امیر الحاج عثمانی را سه کاروان همراهی می‌کرد: کاروان شام حامل صره؛ کاروان مصر حامل پرده کعبه؛ و نیز کاروان عراق که کوچک‌ترین کاروان بود.^۶ در دهه‌های پایانی

۳. السلوک، ج ۱، ص ۲۴۶-۲۴۷؛ اتحاف الوری، ج ۳، ص ۱۱۶.

۴. شؤون الحرمین، ص ۲۲-۲۳؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۲، ص ۵۹۷، «حج».

۵. الاعلام، ج ۱، ص ۳۹.

۶. دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۲، ص ۵۹۷، «حج»؛ میقات حج، ش ۴۷، ص ۹۸، «صُرّه همایون و کاروان صُرّه در دولت عثمانی».

۱. موسوعة مكة المكرمة، ج ۳، ص ۵۲۶.

۲. موسوعة مكة المكرمة، ج ۳، ص ۵۲۷.

پس تا تسلط دیگر بار آل سعود بر حجاز به سال ۱۳۴۳ق. امارت حج در اختیار عثمانیان قرار داشت.

◀ امیران حج در دوره آل سعود:

عبدالعزیز، بنیان‌گذار دولت جدید آل سعود، در طول سی سال سلطنت خود، جز شش مرتبه در دیگر سال‌ها خود امارت حج را بر عهده داشت. از آن شش نوبت، دو بار نائب وی در حجاز، فیصل بن عبدالعزیز، و چهار بار دیگر را ولیعهدش امیر سعود بن عبدالعزیز امارت را بر عهده داشتند.^۴ بعد از عبدالعزیز، فرزندانش سعود، فیصل، خالد، فهد، و عبدالله به ترتیب بر عربستان سعودی حکومت کردند و امارت حج را بر عهده گرفتند.^۵

◀ امرای حج جمهوری اسلامی ایران:

با سقوط امپراتوری عثمانی و شکل‌گیری کشورهای گوناگون و مقرراتی که در سرزمین حجاز وضع شد، هر کشوری در موسم حج سرپرستی را برای سامان‌دهی امور حاجیان منصوب می‌کند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، با توجه به نگرش همه‌جانبه امام خمینی علیه السلام به حج، امارت حج مفهوم حقیقی خود را بازیافت. وی وظایفی را به نمایندگان خویش در حج محول کرد که

دولت عثمانی، امیرالحاج منصوب دولت عثمانی، رئیس محمل شامی بود.^۱ در این عصر، کاروان حاجیان مغرب عربی نیز امیرالحاجی داشت که از نزدیکان پادشاه مغرب بود و از مغرب به سوی تونس و سپس طرابلس حرکت می‌کرد و در مسیر خود حاجیان این مناطق را گرد می‌آورد و از کنار ساحل مصر و اسکندریه به قاهره می‌رسید. همراه این کاروان، گروهی اندک از سربازان حرکت می‌کردند؛ زیرا حاجیان مغرب معمولاً با خود سلاح مناسب حمل می‌کردند.^۲

◀ امرای حج در دوره سلطه آل سعود:

در ۱۲۲۲ق. و با استیلاي سعودی‌ها و وهابیان بر مکه مکرمه، آنان حاجیان مصر و شام و دیگر مناطق را از این رو که حج را به شیوه مشروع و صحیح انجام نمی‌دهند، از حج‌گزاری بازداشتند. امارت آنان بر مکه تا ۱۲۲۸ق. ادامه یافت و در این مدت، خود سعود با مردم حج انجام می‌داد. در این سال، با حمله محمد علی پاشا و پسرش، حاکم مصر، به حجاز، مکه مکرمه بار دیگر زیر سلطه عثمانی‌ها قرار گرفت و در ۱۲۳۰ق. اوزون اوغلی امارت حج را بر عهده گرفت.^۳ از این

۱. آثار اسلامی، ص ۸۵.

۲. مکه و مدینه از دیدگاه جهانگردان، ص ۶۱؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۲، ص ۵۹۸، «حج».

۳. عجائب الآثار، ج ۳، ص ۲۴۷؛ موسوعة مكة المكرمة، ج ۳،

ص ۵۵۸.

۴. موسوعة مكة المكرمة، ج ۳، ص ۵۵۸-۵۵۹.

۵. موسوعة مكة المكرمة، ج ۳، ص ۵۵۹.

عبارتند از^۱: انجام هر چه شکوهمندتر حج و پاک‌سازی این فریضه از آثار طاغوت؛ بهره‌برداری بیشتر از این همایش عظیم دینی و احیای این سنت بزرگ الهی در خطابه‌ها و مراسم دینی؛ نظارت و رسیدگی به یکایک امور حج؛ رسیدگی به کارهای حاجیان و زائران بیت الله الحرام و رفع نیازمندی‌های حجاج؛ اسلامی کردن بیش از پیش کاروان‌ها و امور آنها؛ گماردن اشخاص متعهد برای اداره کارهای حجاج؛ ایجاد همدلی و برادری میان مسلمانان و دعوت آنان به وحدت کلمه و بررسی راه‌های اتحاد میان همه طوایف و مذاهب اسلامی؛ آشنا کردن حاجیان به وظایف بزرگ خود در مقابله با چپاولگران بین‌المللی؛ احیای ابعاد سیاسی-اجتماعی حج؛ برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی حاجیان جهت اعلان برائت از مشرکان؛ حفظ نظم و آرامش و هماهنگی کامل میان کاروان‌ها؛ ارائه راهنمایی‌های لازم به حجاج؛ آگاه کردن حاجیان درباره حساسیت وضعیت زمانی و موقعیت خطیر کنونی؛ در میان گذاشتن مسائل و مشکلات اساسی سیاسی و اجتماعی با دیگر مسلمانان و تهیه طرح برای رفع آنها؛ جلوگیری از کارهایی که موجب وهن تشیع می‌شود؛ پیشگیری از کارهای جاهلانه که موجب تفرقه در صفوف مسلمانان شود؛ آگاه

۱. میقات حج، ش ۳۷، ص ۷۶-۸۴.

نمودن حاجیان از اوضاع کشورهای همانند لبنان، فلسطین و افغانستان؛ گرد آوردن حاجیان جهان کنار یکدیگر و تبادل دیدگاه‌ها در زمینه مصالح اسلام و مشکلات مسلمانان و بررسی راه‌های رسیدن به آرمان مقدس اسلام؛ رویارویی با تبلیغات دروغین رسانه‌های گروهی و آخوندهای درباری بر ضد جمهوری اسلامی؛ تشکیل مجالس پیش از عزیمت حاجیان از جانب روحانیان و آشنا ساختن آنان با مسائل شرعی و وظایف اجتماعی. آیت الله خامنه‌ای نیز بر رعایت دستورهای امام خمینی علیه السلام درباره حج تأکید داشته است.^۲

این افراد در احکامی از سوی امام خمینی، به عنوان سرپرست حاجیان منصوب شدند: ۵۸/۶/۲۹ ش. محیی‌الدین انواری و فضل‌الله محلاتی^۳؛ ۱۳۵۹/۴/۲۷ ش. محمد رضا توسلی محلاتی^۴؛ ۱۳۶۰/۳/۲۰ ش. به طور مشترک سید عبدالمجید ابروانی، سید علی هاشمی گلپایگانی*، محمد رضا توسلی*، حیدر علی جلالی و سید حسن طاهری خرم‌آبادی*^۵؛ ۱۳۶۱/۵/۱۴ تا ۱۳۶۴ ش.

۲. میقات حج، ش ۳۷، ص ۷۶-۸۴، «امرای حج جمهوری اسلامی ایران»؛ حج در کلام و پیام امام خمینی، ص ۱۱۷؛ www.leader.ir

۳. صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۷۶؛ صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۲.

۴. میقات حج، ش ۳۷، ص ۷۶.

۵. صحیفه حج، ج ۱، ص ۷۱؛ میقات حج، ش ۳۷، ص ۷۶-۷۷.

امیر الحاج به عنوان «امام» یاد شده است.^۸ در این منابع، وظایف امیر الحاج را حرکت دادن حجاج، اقامه حج^۹ و ولایت بر انجام حج در موسم شمرده‌اند. این منصب نخستین بار در موسم حج ۲۳۰ ق. پدید آمد که اسحق بن ابراهیم بن مصعب عهده‌دار آن بود.^{۱۰}

اهل سنت سه گونه ولایت را برای امیر الحاج بر شمرده‌اند. در گونه اول، آنان همانند شیعه، شرایطی چون مطاع بودن، صاحب نظر بودن، شجاعت و هیبت، و هدایتگری را برای امیر الحاج معتبر شمرده‌اند^{۱۱} و افزون بر شرایط لازم برای امام جماعت، شرطهایی دیگر نیز آورده‌اند؛ همچون: عالم بودن به مناسک حج و احکام و مواقیف و ایام آن، محدودیت ولایت امیر الحاج به هفت روز یعنی از ظهر روز هفتم ذی حجه تا روز سیزدهم. البته اگر ولایتش مطلق باشد، تا هنگامی که از این مسؤولیت منصرف نشده، باید حج را اقامه کند و اگر برای یک سال حکمران شده باشد، تنها برای همان سال ولایت دارد.^{۱۲} در گونه دوم از ولایت، امیر الحاج را همچون امام جماعت شمرده‌اند که پیروی از او در اعمال و مناسک

موسوی خوینی‌ها^۱؛ ۱۳۶۴/۴/۲۸ ش. مهدی کروی^۲. وی در تاریخ ۱۳۶۴/۷/۷ ش. طی حکمی دیگر برای سال‌های بعد نیز به این سمت منصوب شد.^۳

آیت الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران در ۱۳۷۰ ش. طی حکمی سید احمد خمینی را به عنوان نماینده خود و سرپرست حاجیان ایرانی منصوب کرد؛ اما در پی انصراف وی، در ششم اردیبهشت ۱۳۷۰ ش. محمد محمدی ری شهری را به این سمت منصوب نمود.^۴ وی حدود ۲۰ سال سرپرستی حاجیان ایرانی را بر عهده داشت. پس از او در ۱۳۸۸ ش. سید علی قاضی عسکر به این سمت منصوب شد.^۵

◀ وظایف و شرایط امیر الحج: فقیهان

شیعه و سنی مواردی چون عدالت، آگاهی از مسائل و مناسک حج، شجاع بودن، اطاعت پذیری، صاحب‌نظری، کفایت، و قدرت راهنمایی حاجیان را از شرایط امیر الحاج یاد کرده‌اند.^۶ در منابع شیعه^۷ و اهل سنت، از

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۸۴؛ میقات حج، ش ۳۷، ص ۷۷-۷۸.

۲. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۵۶؛ میقات حج، ش ۳۷، ص ۷۹-۸۰.

۳. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۸۰.

۴. صحیفه حج، ج ۲، ص ۵۰-۵۴؛ میقات حج، ش ۳۷، ص ۸۴-۸۶.

۵. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۲۰ دی ۱۳۸۸.

۶. الاحکام السلطانیه، ج ۱، ص ۱۹۳؛ الدروس، ج ۱، ص ۴۹۵.

۷. لواصع صاحبقرانی، ج ۸، ص ۱۹۸؛ الحدائق، ج ۱۶، ص ۳۵۴؛

جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۷.

۸. المغنی، ج ۳، ص ۴۲۶-۴۲۷.

۹. الاحکام السلطانیه، ص ۱۹۳؛ الدرر الفرائد، ج ۱، ص ۱۳۴-۱۳۵.

۱۰. تاریخ طبری، ج ۹، ص ۱۳۱؛ الکامل، ج ۷، ص ۱۸؛ اماره الحج،

ص ۳۶.

۱۱. الاحکام السلطانیه، ص ۱۹۳؛ الدرر الفرائد، ج ۱، ص ۱۳۴-۱۳۵.

۱۲. الاحکام السلطانیه، ص ۱۹۷.

لازم است، البته نه به معنای تکلیف لزومی؛ زیرا در امامت جماعت، میان نماز امام و مأوم پیوستگی وجود دارد، اما در حج چنین نیست. از این رو، سبقت جستن بر امیر الحاج در اعمال و مناسک مکروه شمرده شده است.^۱

◀ **اهل بیت علیهم السلام و امارت حج:** امام علی علیه السلام به سال ۳۹ق. در فرمانی قثم بن عباس را که از سوی ایشان حکمران مکه بود، به عنوان امیر الحاج انتخاب و وظایف او را این گونه تعیین کرد: برگزاری صحیح مراسم حج (اما بعد فاقم للناس الحج)، یادآوری و بزرگداشت اهمیت ایام الله (و ذکرهم بأیام الله)، برگزاری جلسات عمومی با مردم هنگام عصر (و اجلس لهم العصرین)، پاسخ دادن به سؤال‌های شرعی (فأفت المستفتی)، آموزش مناسک حج به ناآگاهان (و علم الجاهل)، برگزاری جلسات بحث و گفت‌وگوی علمی (و ذاکر العالم)، تأکید بر ارتباط مستقیم و بی‌واسطه با حاجیان (و لا یکن لک الی الناس سفیر... الا وجهک)، پاسخ مثبت به تقاضای دیدار (و لا تحجبین ذا حاجة عن لقائک بها)، رسیدگی به مشکلات (ان ذیدت عن ابوابک فی اول وردها)، دقت در مصرف بیت المال (و انظر الی ما اجتمع عندک من مال الله)، رسیدگی به وضع نیازمندان و گرسنگان (من ذوی العیال و المجاعه)، تأمین مسکن حاجیان و بازداشتن مکیان از دریافت اجاره بها برای

مسکن حاجیان به پشتوانه آیه قرآن (مر اهل مکه ان لا یأخذوا من ساکن اجرا).^۲

پس از امام علی علیه السلام دیگر اهل بیت علیهم السلام همراه مردم در سفر حج حضور داشتند و اعمال و مناسک حج را به جا می‌آوردند. مخالفتی از آنان درباره امیران حج گزارش نشده است. شیوه امامان در این دوران پس از بیعت با خلفا بر پایه مصالح اسلام و مسلمانان، تقیه بوده و بر همین اساس، امیران حج از مشروعیت و اعتبار نزد امامان برخوردار بوده‌اند.^۳ بر پایه گزارشی، به سال ۱۴۰ق. امام صادق علیه السلام که در موسم حج حضور داشت، هنگام عزیمت از عرفات به مشعر، مرکبش دچار مشکل شد و ایشان از مرکب فرود آمد. اسماعیل بن علی عباسی که امیر الحاج بود، قدری جلوتر حرکت می‌کرد. هنگامی که متوجه این رویداد شد، به احترام ایشان به انتظار ایستاد. امام صادق علیه السلام وی را به حرکت و توقف نکردن تا مزدلفه امر فرمود. اما وی همچنان به احترام امام ایستاد تا ایشان سوار بر مرکب شد و با هم حرکت کردند.^۴

◀ **وظایف امیر الحاج در فقه شیعه:**

برای امیر الحاج وظایفی در فقه شیعه بیان شده که مهم‌ترین موارد آن‌ها عبارتند از:

۲. نهج البلاغه، نامه ۶۷ فقه القرآن، ج ۱، ص ۳۲۷.

۳. میقات حج، ش ۳۰، ص ۸۲ «امارت حج و زعامت حجاج».

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۸-۳۹۹.

۱. الاحکام السلطانیه، ص ۱۷۴.

آفتاب است.^۴ اما امیر الحاج باید افاضه از مشعر را تا طلوع آفتاب به تأخیر بیندازد.^۵

۴. ثبوت هلال ذی حجه با حکم امیر الحاج
الحاج: بر پایه روایاتی، حکم امیر الحاج درباره «ثبوت هلال ماه ذی حجه» برای همه معتبر است. این دستور می‌تواند در مسیر حفظ وحدت و هماهنگی میان حاجیان بیت الله الحرام و جلوگیری از تفرقه و تشتت و نیل به اهداف والای حج باشد.^۶ البته با همین مضمون، روایاتی در منابع اهل سنت نیز یافت می‌شود.^۷

۵. سخنرانی امیر الحاج در موسم:
مستحب است امیر الحاج در چهار روز از موسم حج، برای مردم سخنرانی کند. شیخ طوسی روایتی از جابر را پشتوانه این حکم قرار داده که بر پایه آن، امیر الحاج باید در روز هفتم ذی حجه، روز عرفه، روز عید قربان در منا و روز دوازدهم به هنگام کوچ از منا به مکه، برای مردم سخن گوید و آنان را با اعمال و مناسک و وظایف آشنا سازد.^۸ شهید اول مضمون سخنان امیر الحاج را چگونگی وداع حاجیان در روز دوازدهم، اطاعت آنان از

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۵.

۵. الکافی، ص ۲۱۳؛ النهایه، ص ۲۴۹؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۹۸-۹۹.

۶. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۳۳.

۷. کنز العمال، ج ۸، ص ۴۸۹.

۸. سلسله التبیان، ج ۳۰، ص ۲۳۸.

۱. اقامه نماز ظهر و عصر «یوم الترویبه» در منا: حاجیان در روز هشتم ذی حجه (یوم الترویبه) در مکه مکرمه، احرام حج بسته، رهسپار سرزمین منا می‌شوند.^۱ به فتوای فقیهان شیعه، بر امیر الحاج مستحب یا واجب است که در این روز نماز جماعت ظهر و عصر را در منا برگزار کند. البته بعضی از فقیهان حاجیان را در اقامه نماز در مسجد الحرام یا منا مخیر دانسته‌اند.^۲

۲. استحباب مؤکد ماندن امیر الحاج در منا تا طلوع آفتاب روز عرفه: مشهور میان فقیهان شیعه آن است که مستحب است امیر الحاج پس از ورود به منا در روز هشتم ذی حجه تا طلوع آفتاب روز نهم (عرفه) در منا بماند. حاجیان دیگر می‌توانند پس از طلوع فجر به سوی عرفات حرکت کنند؛ هر چند برای آنان نیز ماندن تا طلوع آفتاب استحباب دارد. این حکم درباره امیر الحاج مورد تأکید قرار گرفته است.^۳

۳. لزوم تأخیر در افاضه از مشعر الحرام تا طلوع آفتاب روز دهم: پس از وقوف اختیاری مشعر، بر پایه روایات، بهترین وقت برای حرکت به سوی منا، نزدیک طلوع

۱. النهایه، ص ۲۴۹؛ سلسله التبیان، ج ۷، ص ۲۳۱.

۲. التهذیب، ج ۵، ص ۲۰۱-۲۰۲؛ المبسوط، ج ۱، ص ۳۶۵؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۶.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۵۲۸؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۱۰-۱۲؛

مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۸.

خداوند، استقامت برای پایان دادن به حج، وفا به وعده های خویش با خداوند، حرکت به سوی کمال پس از اعمال حج، دانسته و تشویق حاجیان بر این امور را از وظایف امیر الحاج برشمرده است.^۱

۶. نماز ظهر روز سیزدهم در

مسجدالحرام: افزون بر احکام یاد شده، علامه حلی کوچ کردن امام در روز سیزدهم از منا به مکه پیش از زوال برای اقامه نماز ظهر در مسجدالحرام و آگاه ساختن مردم از کیفیت وداع را از دیگر وظایف امیرالحاج دانسته است.^۲ پشتوانه این حکم، روایت‌های رسیده در این زمینه است.^۳

◀ دیگر وظایف امیران حج: برخی

وظایف سرپرست حاجیان در طول مسیر، در منابع شیعی و سنی برشمرده شده است که بعضی از آن‌ها متناسب با شرایط و دوران قدیم است. برخی این وظایف عبارتند از: جمع کردن مردم هنگام حرکت و توقف آنان برای جلوگیری از دستبرد راهزنان و سارقان به اموال حجاج، نظم بخشیدن به حرکت و توقف آنان، تعیین راهنما برای هر گروه و مشخص ساختن مکانی معین برای توقف و منزلگاه آنان تا گمشدگان به سوی آن‌ها راه یابند، تهیه

منزلگاه مناسب در میان راه، عبور دادن حاجیان از بهترین و آسان‌ترین راه‌ها، مراقبت از آنان در حرکت و توقف و جلوگیری از مزاحمان با پرداخت هزینه یا هر شیوه ممکن، به کارگیری نگهبان برای کاروان در صورت نیاز با پرداخت اجرت، مراعات حال ضعیف‌ترین فرد در کاروان و مدارا با ناتوانان، پرداخت هزینه حمل جاماندگان از کاروان به حساب بیت المال یا اموال وقف شده برای حجاج، تعیین هنگام مناسب برای سفر حج که نه آن قدر زود باشد که به تمام شدن توشه حاجیان بینجامد و نه آن قدر دیر که به سختی گرفتار شوند و از اعمال و مناسک حج بازمانند، تعزیر یا حد زدن خطاکاران و ستم‌پیشگان در صورت داشتن اختیار و شایستگی صدور حکم و یا واگذاری آن به اهلس، دادن فرصت کافی به افراد کاروان برای انجام واجبات و مستحبات در میقات، مهلت دادن به زنان معذور برای انجام اعمال پس از برطرف شدن عذرشان، همراهی با زائران برای زیارت پیامبر و امامان علیهم‌السلام در مدینه و دادن مهلت به مقدار گزاردن مناسک زیارت و وداع.^۴

◀ خدمات امیران حج در حرمین: با

توجه به جایگاه سیاسی و اجتماعی امیران

۱. الدروس، ج ۱، ص ۴۹۵-۴۹۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۸؛ ج ۱۳، ص ۵۲۳، ۵۲۵، ۵۲۷.

۳. تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۳۷۵.

۴. الاحکام السلطانیه، ص ۱۹۴-۱۹۷؛ الدروس، ج ۱، ص ۴۹۵-

۴۹۶.

۱۳۲-۶۵۶ق. و برخی کتاب‌های دیگر به طور کامل امیران حج در برخی دوره‌ها را آورده‌اند. (جدول شماره ۱)

◀ منابع

آثار اسلامی مکه و مدینه: رسول جعفریان، قم، مشعر، ۱۳۸۶ش؛ **اتحاف الوری**: عمر بن محمد فهد (م. ۸۸۵ق.)، به کوشش عبدالکریم مکه، جامعه ام القرى، ۱۴۰۸ق؛ **الاحکام السلطانیة**: الماوردی (م. ۴۵۰ق.)، به کوشش خالد بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۱۵ق؛ **اخبار مکه**: الارزقی (م. ۲۴۸ق.)، به کوشش رشدی الصالح، مکه، مکتبة الثقافة، ۱۴۱۵ق؛ **الارشاد: المفید** (م. ۴۱۳ق.)، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ق؛ **الاستیعاب**: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق؛ **الاصابه**: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، به کوشش علی معوض و عادل عبدالوجود، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق؛ **الاعلام: الزرکلی** (م. ۳۹۶ق.)، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۹۷م؛ **الاغانی: ابوالفرج الاصفهانی** (م. ۳۵۶ق.)، به کوشش علی مهنا و سمیر جابر، بیروت، دار الفکر؛ **امارة الحج فی العصر عباسی**: سلیمان صالح کمال، مکه، جامعه ام القرى، ۱۴۰۸ق؛ **امتاع الاسماع: المقریزی** (م. ۸۴۵ق.)، به کوشش محمد شاکر؛ **الانباء فی تاریخ الخلفاء**: ابن العمرانی (م. ۵۸۰ق.)، به کوشش السامرائی، قاهره، الأفاق العربیة، ۱۴۱۹ق؛ **انساب الاشراف: البلاذری** (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش زکار و زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ **البدایة و النهایة**: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، بیروت، مکتبة المعارف؛ پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: www.leader.ir؛ **تاریخ ابن خلدون**: ابن خلدون (م. ۸۰۸ق.)، به کوشش خلیل شحاده، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۸ق؛ **تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر**:

حج، تلاش‌های عمرانی بسیاری از آنان در مسیر حرمین شریفین و نیز در این حرم‌ها به ثبت رسیده است. در دوران اموی، از افرادی چون معاویة بن ابوسفیان (حک: ۴۱-۶۰ق.)، مروان بن حکم، و هشام بن عبدالملک به عنوان کسانی یاد شده که در هنگام امارت حاج، به آبادانی و به ویژه تأمین آب آشامیدنی و آذوقه حاجیان اهتمام ورزیدند. نیز از دوره عبدالملک بن مروان (حک: ۶۵-۸۵ق.) به بعد، امیران حج اموی همراه خود جامه ابریشمین کعبه را با تشریفات ویژه از دمشق به مکه می‌آوردند و در میانه راه، مدتی کوتاه در حرم نبوی می‌آویختند و به نمایش می‌نهادند. در دوره عباسیان نیز امیران حج در عمران و آبادی حرمین و مسیر حج نقش داشتند؛ چنان‌که صالح بن هارون، امیر الحاج مأمون، به سال ۲۰۸ق. از سوی او موظف به تعمیر مسجدالحرام که از سیل آسیب دیده بود و نیز رسیدگی به امر حاجیان و مکیان زیان دیده از این حادثه شد.^۱

نظر به اهمیت امارت حج، تک‌نگاری‌هایی درباره آن نگاشته و از امیران حج در دوره‌های گوناگون یاد شده است. **تاریخ طبری**، امیران حج در سه سده اول ق. و **مروج الذهب** تا نیمه اول سده چهارم ق. را گزارش داده است. نیز کتاب **امارة الحج فی عهد العباسی** (حک:

۱. موسوعة مكة المكرمة، ج ۳، ص ۵۱۷.

الذهبي (م. ۷۴۸ق.)، به كوشش عمر عبدالسلام، بيروت، دار الكتاب العربي، ۱۴۱۰ق؛ **تاريخ بغداد**: الخطيب البغدادي (م. ۴۶۳ق.)، به كوشش عبدالقادر، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۷ق؛ **تاريخ سيستان**: به كوشش ملك الشعراى بهار، تهران، كلاله خاور، ۱۳۶۶ش؛ **تاريخ طبرى (تاريخ الامم و الملوك)**: الطبرى (م. ۳۱۰ق.)، به كوشش محمد ابوالفضل، بيروت، دار احياء التراث العربى؛ **تاريخ يعقوبى**: احمد بن يعقوب (م. ۹۲ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ **تجارب الامم**: ابوعلی مسكويه (م. ۴۲۱ق.)، به كوشش امامى، تهران، سروش، ۱۳۶۶ش؛ **تذكرة الفقهاء: العلامة الحلى (م. ۷۲۶ق.)**، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ق؛ **تهذيب الاحكام**: الطوسى (م. ۴۶۰ق.)، به كوشش شمس الدين، بيروت، دار التعارف، ۱۴۱۲ق؛ **جواهر الكلام**: النجفى (م. ۱۲۶۶ق.)، به كوشش قوچانى و ديگران، بيروت، دار احياء التراث العربى؛ **حج در كلام و پيام امام خمينى**: قم، نشر آثار امام خمينى، ۱۳۷۱ش؛ **الحدائق الناضرة**: يوسف البحرانى (م. ۱۱۸۶ق.)، به كوشش آخوندى، قم، نشر اسلامى، ۱۳۶۳ش؛ **حسن الصفا و الابتهاج بذكر من ولي اماره الحاج**: احمد الرشيدى، به كوشش ليلى عبداللطيف احمد، مصر، مكتبة الخانجى؛ **دانشنامه جهان اسلام**: زير نظر حداد عادل و ديگران، تهران، بنياد دائرة المعارف اسلامى، ۱۳۷۸ش؛ **الدرر الفرائد المنظمة**: عبدالقادر انصارى حنبلى (م. ۹۷۷ق.)، به كوشش محمد حسن اسماعيل، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۲۲ق؛ **الدروس الشرعية: الشهيد الاول (م. ۷۸۶ق.)**، قم، نشر اسلامى، ۱۴۱۲ق؛ **سلسلة البنابيع الفقهية**: على اصغر مرواريد، بيروت، فقه الشيعة، ۱۴۱۳ق؛ **السلوك لمعرفة دول الملوك**: المقرئى (م. ۸۴۵ق.)، به كوشش محمد عبدالقادر، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۸ق؛ **سير اعلام النبلاء**: الذهبى (م. ۷۴۸ق.)، به كوشش گروهى از محققان،

بيروت، الرسالة، ۱۴۱۳ق؛ **السيرة النبوية**: ابن هشام (م. ۲۱۸/۲۱۳ق.)، به كوشش السقاء و ديگران، بيروت، دار المعرفة؛ **شذرات الذهب**: عبدالحى بن العماد (م. ۱۰۸۹ق.)، به كوشش الارنؤوط، بيروت، دار ابن كثير، ۱۴۰۶ق؛ **شفاء الغرام**: محمد الفاسى (م. ۸۳۲ق.)، به كوشش گروهى از علماء، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۲۱ق؛ **شؤون الحرمين الشريفين فى العهد العثمانى**: محمد عبداللطيف هريدى، قاهره، دار الزهراء، ۱۴۱۰ق؛ **صحيفة حج**: مركز تحقيقات حج، تهران، مشعر، ۱۳۸۲ش؛ **صحيفة نور**: امام خمينى (ع)، وزارت ارشاد، ۱۳۶۱ش؛ **الطبقات الكبرى**: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به كوشش محمد عبدالقادر، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۸ق؛ **عجائب الآثار**: عبدالرحمن الجبرتى (م. ۱۲۲۷ق.)، بيروت، دار الجيل؛ **العقد الثمين فى تاريخ البلد الامين**: محمد الفاسى (م. ۸۳۲ق.)، به كوشش فؤاد سير، مصر، الرسالة، ۱۴۰۶ق؛ **فقه القرآن**: الراوندى (م. ۵۷۳ق.)، به كوشش الحسينى، قم، مكتبة النجفى، ۱۴۰۵ق؛ **الكافي فى الفقه**: ابوالصلاح الحلبي (م. ۴۴۷ق.)، به كوشش استادى، اصفهان، مكتبة امير المؤمنين (ع)، ۱۴۰۳ق؛ **الكامل فى التاريخ**: ابن اثير (م. ۶۳۰ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ **كنز العمال**: المتقى الهندى (م. ۹۷۵ق.)، به كوشش السقاء، بيروت، الرسالة، ۱۴۱۳ق؛ **لسان العرب**: ابن منظور (م. ۷۱۱ق.)، قم، ادب الحوزة، ۱۴۰۵ق؛ **لوامع صاحبقرانى**: محمد تقى مجلسى، اسماعيليان، قم، ۱۴۱۴ق؛ **المبسوط فى فقه الاماميه**: الطوسى (م. ۴۶۰ق.)، به كوشش بهبودى، تهران، المكتبة المرتضوية؛ **مروج الذهب**: المسعودى (م. ۳۴۶ق.)، به كوشش اسعد داغر، قم، دار الهجرة، ۱۴۰۹ق؛ **مستدرک الوسائل**: النورى (م. ۳۲۰ق.)، بيروت، آل البيت (ع)، ۱۴۰۸ق؛ **مسند احمد**: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بيروت، دار صادر؛ **المغازى**: الواقدى (م. ۲۰۷ق.)، به كوشش

یا تمام بخواند.^۲ این حکم تنها در فقه امامی یاد شده و در فقه اهل سنت وجود ندارد. همچنین این تخییر ویژه نمازهای روزانه است و در روزه جاری نمی‌شود. بر پایه منابع روایی، امامان نماز خود را در مکه تمام می‌خواندند.^۳ به نظر مشهور فقیهان امامی، از احکام اختصاصی مکان‌های چهارگانه مذکور، جواز و حتی استحباب تمام خواندن نماز چهار رکعتی برای مسافری است که قصد اقامت ۱۰ روز در این مکان‌ها را ندارد.^۴ در برابر، سید مرتضی و ابن جنید بر آنند که خواندن نماز تمام در مکان‌های یاد شده و حتی حرم سایر معصومان واجب است.^۵ شیخ صدوق و اندکی دیگر نیز تفاوتی میان این مکان‌ها و جای‌های دیگر نمی‌بینند و وظیفه مسافر را در این مکان‌ها خواندن نماز قصر دانسته‌اند.^۶

پشتوانه نظر مشهور^۷ افزون بر احادیث دلالت‌گر بر تخییر^۸، احادیثی است که تمام خواندن نماز در این مکان‌ها را ستوده و آن را

مارسدن جونس، بیروت، علمی، ۱۴۰۹ق؛ المغنی: عبدالله بن قدامه (م. ۲۰۶ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ المفصل: جواد علی، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۷۶م؛ مکه و مدینه از دیدگاه جهانگردان اروپایی: جعفر الخلیلی، ترجمه: فرهنگ، تهران، مشعر، ۱۳۷۶ش؛ المنتظم: ابن الجوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق؛ موسوعة مكة المكرمة و المدينة المنورة: احمد زکی یمانی، مصر، مؤسسه الفرقان، ۱۴۲۹ق؛ میقات حج (فصلنامه): حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت؛ النهایه: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ق؛ نهج البلاغه: صبحی صالح، تهران، دار الاسوه، ۱۴۱۵ق؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۰۴۱ق.)، قم، آل البیت، ۱۴۱۲ق.

سید علی حسین پور



اماکن تخییر: اصطلاحی در فقه امامی، ناظر به چهار مکان خاص از جمله مکه و مدینه

اصطلاح فقهی اماکن تخییر، مرکب از دو واژه اماکن (جمع مکان) و تخییر (واگذاری حق انتخاب^۱) به چهار مکان یعنی مکه، مدینه، مسجد جامع کوفه، و حائر حسینی اطلاق می‌شود که مسافر غیر مقیم در آن‌ها مخیر است نمازهای چهار رکعتی را شکسته (قصر)

۱. لسان العرب، ج ۴، ص ۲۶۶؛ تاج العروس، ج ۶، ص ۳۸۱، «خیر».

۲. البیان، ص ۷۸؛ مدارک الاحکام، ج ۲، ص ۳۱۱؛ ج ۴، ص ۳۰۵؛ العروة الوثقی، ج ۲، ص ۴۳۹؛ ج ۳، ص ۶۲.
 ۳. التهذیب، ج ۵، ص ۴۲۸.
 ۴. مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۱۳۵؛ مستند الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۴.
 ۵. جمل العلم، ص ۷۷؛ مجموعه فتاوی ابن الجنید، ص ۹۰.
 ۶. الخصال، ص ۲۵۲؛ مصابیح الظلام، ج ۲، ص ۱۹۶؛ نک: جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۳۳۰؛ المسائل الشرعیه، ص ۳۰۲.
 ۷. الروضة البهیة، ج ۱، ص ۵۹۶؛ مدارک الاحکام، ج ۴، ص ۴۶۷؛ جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۳۳۱.
 ۸. الکافی، ج ۴، ص ۵۲۴؛ التهذیب، ج ۵، ص ۴۲۹-۴۳۰.